

اگر دانشکده ادبیات بخواهد به ادبیات فارسی خدمت کند باید آن را زنده و غنی سازد مثلاً محصلین را در تهیه نمایشنامه که بی نهایت مورد احتیاج مملکت است هدایت کند. امروز نوشتن نمایشنامه بدست کسانی است که نه صلاحیت علمی دارند و نه صلاحیت اخلاقی. و غالب نمایشهائی که می دهند به اخلاق عمومی مضر و اگر ندهند بهتر است [۱۳۲۷].^{۱۹}

البته نمی توان حدس زد او چه تصویری از نمایشنامه داشته که «غالب» نمایشنامه های آن دوران را برای «اخلاق عمومی» مضر می دیده است؛ اما همین که می پندارد دانشکده های ادبیات با آن سبک و سیاق قدمايي، می توانند به دانشجویان نمایشنامه نویسی بیاموزند، نشان از ساده نگری او در این باره دارد. اشتباه فروزانقر این است که دانشکده های ادبیات را مراکز بالقوه خلاقیت ادبی محسوب می کند و گمان می کند همه محصولات ادبی باید از این دانشکده ها صادر شود. غافل از این که نه نظام کنونی تعلیم و تربیت در دانشکده های ادبیات ما توانایی چنین کاری را دارد و نه اصولاً موظف به این کار است. مهمترین وظیفه دانشکده های ادبیات تربیت عده ای است که توانایی لازم علمی را برای نظارت بر خلاقیت های ادبی، از هر دست که باشد، داشته باشند و بتوانند این همه را به درستی نقد و ارزیابی کنند؛ لیکن متأسفانه دانشکده های ادبیات امروز نه خواست فروزانقر را جامعه عمل می پوشانند و نه به آنچه وظیفه اصلی آنهاست می پردازند.

خط
در دوره ای که بحث درباره تغییر یا اصلاح خط فارسی فزونی می یافت و مثلاً تقی زاده بر آن بود که خط باید به لاتین بدل شود، فروزانقر هیچ اشکالی در خط فارسی نمی دید و ضعف نویسندگان را در املاي فارسی ناشی از شیوه غلطی می دانست که در مدارس برای آموزش املا به کار گرفته می شد:

یکی از مشکلاتی که در دبستانها و دبیرستانها بدان بر می خوریم و پیوسته در آن مناظره و بحث می رود املاء و طرز نوشتن کلمات است که [...] آن را بعضی [ناشی از] بدی خط می دانند و به عقیده یک دسته تنها نسبت آن بی دانشی نویسنده و عدم اطلاع اوست. [...] به گمان بنده یکی از علل عمده اینگونه اشتباهات طرز تدریس املاء و عقیده برخی از ما باشد که پندارند هر گاه از نوادر لغت و مفردات غریب [...] عبارتی چند مرتب ساخته بر محصلین املا کنند خدمتی به زبان فارسی کرده و نویسندگان را از ارتکاب غلط رهائی بخشیده و قوه ادبی محصلین را بیشتر کرده اند - این اشتباه است [۱۳۱۳].^{۲۰}

پانویسها:

- ۱ - نک: مجموعه مقالات، ص ۲۳۳ - ۲۳۷.
- ۲ - همان، ص ۲۷۹.
- ۳ - سخن و سخنوران، ص ۱۰.
- ۴ - مجموعه مقالات، ص ۲۶۷ - ۲۶۸.
- ۵ - همان، ص ۲۴۵.
- ۶ - شرح احوال عطار، ص یک.
- ۷ - نک: سخن و سخنوران، ص ۱۱-۱۱.
- ۸ - نک: همان، ص ۱۱-۱۲.
- ۹ - مجموعه مقالات، ص ۸.
- ۱۰ - همان، ص ۹.
- ۱۱ - همان، ص ۲۳ - ۲۵.
- ۱۲ - همان، ص ۲۷۳.
- ۱۳ - رساله در تحقیق احوال مولانا، ص ت-ث.
- ۱۴ - نک: همان جا.
- ۱۵ - خلاصه ای از تقریرات فروزانقر در درس تاریخ ادبیات (در سال تحصیلی ۱۳۰۸-۱۳۰۹) نیز در همان سالها منتشر شده که ظاهراً سخن و سخنوران شکل کاملتر و بسامان تر آن است.
- ۱۶ - تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۳ - ۲۵.
- ۱۷ - مجموعه مقالات، ص ۳۴ - ۳۵.
- ۱۸ - همان، ص ۲۷۸ - ۲۷۹.
- ۱۹ - همان، ۲۷۹ - ۲۸۰.
- ۲۰ - همان، ص ۴۱ - ۴۲.

حافظ پژوهی



حافظ پژوهی، دفتر سوم

به کوشش: جلیل سازگارنژاد

ناشر: مرکز حافظ شناسی، چاپ اول، ۱۳۷۹

دفتر سوم حافظ پژوهی حاوی مقاله هایی است که به مناسبت کنگره یادروز حافظ در شیراز گردآمده است. «عشق حافظ / جلیل سازگارنژاد» عنوان نخستین مقاله کتاب حاضر است که نویسنده آن تصریح می کند: «رستگاری یا زوال روحی انسان به درجه دوری یا نزدیکی او از عشق تقریر می شود، به دیگر سخن آن کس رستگار است که عاشق است و هم از این روست که در جدالی گریزناپذیر باز زهد و ظاهرگرایی، پای در رکاب عشق می نهد...»

اصفردادبه در مقاله ای با عنوان «نگاهی به خودستایی ها و دیگرستایی های حافظ» مدح و مفاخره های حافظ را بررسی نموده و در پی آن به تحلیل بیت «بیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت...» می پردازد. «حافظ، شعر و شاعری و معاصرانش» مقاله ای است از منصور رستگارفسائی که در آن جامعه پراشوب عصر حافظ و تأثیر آن بر اشعار حافظ بررسی می گردد.

رتال جامع علوم انسانی

مجموعه مقالات
عطار
سرخساز

نشان می‌دهد که ترجمه فارسی پارهای منابع عربی پیش از خود است، مثلاً کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه راغب اصفهانی که در قرن چهارم می‌زیسته از نمونه‌های این منابع است. راغب توصیفی که از اصطلاح «توفیق» در الذریعه (ص، ۹۹) بدست می‌دهد، منبع قول غزالی و در واقع ترجمه آن در کیمیای سعادت (ج ۲، ص ۳۷۶) است.

در عرفانیات چند مقاله از حیث موضوع به عین‌القضات همدانی اختصاص یافته است که هر یک از این حیث و نیز بلحاظ شیوه مؤلف قابل اهمیت است. بنظر ایشان عین‌القضات «چهره‌ای مردمی» (ص ۵۹) است بطوری که «افسانه‌ها» به نام و یاد او ساخته‌اند.

(همانجا) هر چند که در انتساب این عنوان و افسانه‌های آن از جانب عامه مردم تردید است و بیشتر آنها صورت روایی و غلو صوفیه پیروی دارد اما سخن صریح و بی‌پیرایه عین‌القضات خاصه دفاع وی از مردم در مقابل سلجوقیان می‌توانسته بعنوان یکی از مقبولیت‌های وی نزد عامه تلقی شود. بنظر مؤلف «اندیشه‌های عین‌القضات در نامه‌های او بیان شده است.» (ص ۶۹) که منظور از اندیشه و انتساب آن به عین‌القضات معلوم نیست و در این معنا شاید مؤلف از سخنان مصححان نامه‌های عین‌القضات پیروی کرده و همان‌گونه که گفته‌اند گوشیده‌اند تا نظامی فلسفی برای او اثبات کنند در حالی که میراث عین‌القضات، تصوف اوست و این میراث در قالب «نظام فلسفی» قابل طرح نیست و خود او نیز چنین ادعایی نکرده است. آنچه در سراسر عرفانیات حایز اهمیت است،

اصالت نگرش مؤلف به میراث کهن عرفان و تصوف است. وی با نقادی برخی منابع که به صورت تألیف و ترجمه ارائه شده و با طرح دلایل خود که مبنی بر غیرقابل اعتماد بودن آنهاست می‌کوشد تا محققان ایرانی را در دست یافتن به منابع تازه‌تر و اتخاذ روش تحقیق مناسب در تألیف چنین آثاری تشویق کند. از نمونه‌های نقد وی و توصیه‌های قابل توجه او در مقاله‌ای است که با عنوان «روزبهران بقلی» (ص، ۸۳) نوشته است.

از دیگر مشترکات عرفانیات، تألیف چند مقاله درباره ابن‌فارض است. نمونه‌هایی از این دست خواننده را علیرغم کثرت موضوعی مقالات، با وحدت قابل توجهی مواجه می‌کند و این اگر چه به شیوه سلیقه‌ناشر محترم نیز بازمی‌گردد اما طرح نخستین آن از حیث علمی که نزد مؤلف محترم بوده بیش از همه قابل تقدیر و سپاس است.

به هر حال کتاب عرفانیات سخن تازه‌ای مطرح کرده و با این که مجموع آن به صورت واحد پیشتر چاپ شده اما از دو جنبه مطالعه درباره آن ضروری است: ۱- برای دوستداران نقد و شیوه نقد کتاب، روش تألیف مؤلف محترم بعنوان یکی از معیارهای رایج و برجسته قابل اعتناست. ۲- محققان و مؤلفان حوزه عرفان بی‌نیاز از نکته‌های بدیع و نقادی‌های این کتاب نخواهند بود. جوهر اندیشه مؤلف در تمامی مقالات، نقد ادبی است، اما این آمیزه با تعلق خاطر وی به عرفان با یکدیگر امتزاج یافته و در عین حال گاه از یکدیگر جدا شده اما این تفکیک موجب نشده تا عرفانیات تنها بصورت کتابی عرفانی و یا فقط نقد ادبی مطرح شود.

حافظ پژوهی

ادامه صفحه ۲۷

نویسنده می‌گوید: حافظ، جد و طنز، وصف و نقد اجتماعی و اخلاقی، قدح و مدح، طبیعت‌گرایی و اندیشه‌های عرفانی و الهی را با خوشباشی و رندی و اندیشه‌های خیامی و فلسفی درمی‌آمیزد و مجموعه ظرفیت‌های موجود در قالب‌های مختلف شعر را در غزل خویش متمرکز می‌سازد.

محمد قراگوزلو در مقاله «مشکلات سیاسی و اجتماعی عصر حافظ» مقدمه محمد گلندام - اولین جامع دیوان حافظ - و تناقضات موجود در آن را تجزیه و تحلیل نموده است.

«پادشاه بحر / عبدالرسول خیراندیش» مقاله دیگری است که نویسنده در آن به کنکاش در روان حافظ با ملوک هرموز و سلاطین بنگاله می‌پردازد و اطلاق پادشاه بحر به ملوک هرموز در عصر حافظ را با توجه به شرایط و موقعیت تجاری و دریایی هرموز بررسی می‌نماید. «نازک‌اندیشی‌های حافظ» نوشته عبدالکریم سروش عنوان مقاله دیگری است که در آن به جهان‌بینی و گستره اندیشه‌های حافظ اشاره می‌شود. نویسنده می‌گوید: «حافظ خود را میان دو دنیا می‌یافت؛ دنیایی که سرشار از عمل به احکام شریعت بود، اما تهی از ارزش‌های اخلاقی و دنیایی که گاه‌گاهی گناهی در آن رخ می‌داد، اما به جای آدمیانی که دور از ناهنجاری‌های اخلاقی و شخصیتی بودند، حافظ به یک کثرت واقعی رسید به نحوی که هیچ معیاری نداشت تا یکی از این دو دنیا را بر دیگری ترجیح دهد، اما در نهایت فتوی او به جانبی غلتید که جهانی را ترجیح دهد که شخصیت‌ها اعتدال بیشتری دارند و در آن از عجب و دورویی و نفاق و تظاهر و ناهنجار شخصیت خبری نیست. «زیان حافظ / علی رواقی»؛ «شیراز در عصر حافظ / حسن امداد»؛ تاویل‌گرایی در عصر حافظ و تاویل در شعر حافظ / جعفر شعار»؛ «حافظ و غزل او / محمود عبادیان»؛ «حافظ و اسطوره عشق و آفرینش / فریده سیحون، محمد ضیمران» و چند مقاله دیگر از جمله مطالب خواندنی این کتاب است.

سیر اندیشه و سلوک نقد در «عرفانیات»